

## تفاوت آنها که در خیابان زندگی می کنند با آنها که از پناهگاهها استفاده می کنند.\*

نویسندگان، مارک لاکاری، کوین فیتزپاتریک، فریس ریتچی

مترجم: فاطمه گرامی

نمونه ای ۱۵۰ تایی از افراد بی خانمان مورد مصاحبه قرار گرفتند که تعدادی در پناهگاه و گروهی در خیابان زندگی می کردند. این دو گروه از جنبه های متفاوت مقایسه شدند. چندین تفاوت مهم در بین آنها مشاهده شد. پناهگاه نشین های سنتی غالباً زن هستند با تحصیلاتی بهتر و جامعه پذیرتر که در گذشته صدمات بیشتری را متحمل شده اند.

در حالیکه بخش مهمی از تحقیقات در ایالات متحده روی مسئله بی خانمانی

---

\* Homeless Persons: Differences Between those living on the street and in shelters Mark La Gory, Kevin Fitzpatrick, Ferris Ritchey university of Alameda at Birmingham S SR/ Volume 74, No.3 April, 1990.

متمرکز شده است، اغلب آنها محدود به یک رشته از عناوینی هستند که به آسیب پذیریه‌های افراد بی‌خانمان از نظر روانشناسی، بدنی و اجتماعی می‌پردازند. (هوج و سلیتون، ۱۹۸۹)<sup>(۱)</sup>. با کمال تعجب کوشش‌های اندکی برای مطالعه منظم بی‌خانمانها از نقطه نظر بوم‌شناختی خرد و کلان صورت گرفته است. این فرض طعنه‌آمیز است که اعتبار مفهوم بی‌خانمانی به یک فرضیه انتقادی اکولوژیکی متکی باشد (چون وضعیت‌های زندگی یک جزء اصلی از سطح زندگی هستند). به علاوه بسیاری از برنامه‌های خدمات رسانی بر این مبنا استوار گشته‌اند که در میان بی‌خانمانها زیرگروه‌های محیطی متمایزی وجود دارند. (روت و آروا، ۱۹۸۸).<sup>(۲)</sup>

در پیشینه پژوهش‌های مربوط به بی‌خانمانها، دو نوع اساسی محیط زندگی بی‌خانمانها اینچنین مورد بحث قرار گرفته است:

۱- محیط‌های خیابانی (کوچه‌ها، پیاده‌روها، زیرپله‌ها، پارکها و یا سایر مکانهای عمومی و ساختمانهای متروکه).

۲- محیط‌های پناه‌دهی سستی (پناهگاهها و خیریه‌ها به همراه هتل‌های ارزان و در بعضی مواقع منازل دوستان و بستگان)

در حالی که هیچکدام از این محیط، امنیت، اختیار، یا قابلیت پیش‌بینی یک خانه را ارائه نمی‌کنند، اما هر کدام دارای مزیت‌های مختلفی بر دیگری هستند. پناهگاههای سستی بطور قطع زندگی و محیط خواب متفاوتی را نسبت به خیابان دارا هستند. پناهگاهها مردم را از نظر فیزیکی گردهم می‌آورد (جامعه‌گرایی) در حالی که محیط‌های خیابانی به سمت جداسازی افراد از یکدیگر گرایش داشته و امکان گردهمائی آنها را

---

1- Hoch and Slayton

2- Roth and Arewa

تفاوت آنها که در خیابان زندگی می‌کنند با آنها که از پناهگاهها استفاده می‌کنند

دشوار می‌سازد (جامعه‌گریزی). همچنین پناهگاهها رفتارهای وابسته را ترویج و تشویق می‌کنند در حالی که محیط خیابان خودمختاری کمی را اجازه می‌دهد. (کوهن و سوکولووسکی ۱۹۸۹).<sup>(۱)</sup>

علیرغم این واقعیت که بطور بالقوه پیامدهای متفاوتی برای این دو محیط وجود دارد و سیستم‌های ارائه خدمات در تهیه امکانات خودشان تفاوتها را مدنظر دارند هیچ تحقیق منظمی تفاوت بین مردم خیابان‌نشین و پناهگاه‌نشین را مشخص نکرده است. قصد مقاله حاضر این هست که به این دو سؤال پاسخ گوید که: ۱- اگر تفاوتی بین زندگی در خیابان و پناهگاه وجود دارد، آن تفاوتها چیست؟ و ۲- چه تمایزاتی در این جمعیت‌های فرعی بی‌خانمان وجود دارد؟ این سئوالات بطور مشخص برای تهیه‌کنندگان خدمات و محققین مسائل بی‌خانمانها اهمیت دارند. بی‌خانمانها هم چنین یک سنت جدید را در اکولوژی (علم زیست محیطی) به وجود می‌آورند. تئوری اکولوژیست‌ها این نظریه را ارائه می‌کند که سلامت عمر می‌یک فرد با بخشی از عملکرد او (زن یا مرد) در سازگاری با محیط مرتبط است. (لاوتون، ۱۹۸۳) برای آزمایش این نظریه، اکولوژیست‌ها یک سلسله مطالعات مربوط به استفاده از محیط را شروع کرده‌اند که سعی دارند الگوهای استفاده شده و نیازهای این جمعیت فرعی را با شیوه خاص زندگی آنها توضیح دهند (راپ پاپورت، ۱۹۷۷).<sup>(۲)</sup>

این مقاله همان رویه را تعقیب می‌کند. گرچه پناهگاهها و خیابانها برای خوانندگان این مقاله منزلگاه مناسبی بنظر نمی‌آیند، اما برای آنها که باید یکی از دو شیوه زندگی را

---

1- Cohen and Sokolovsky

2- Rappaport

انتخاب کنند ممکن است یکی بر دیگری ارجح باشد و نیز ممکن است برای آنها توسل به یک شیوه زندگی نسبت به شیوه دیگر مشتقات بیشتری به همراه داشته باشد.

### روشها، نمونه گیری و جریان تحقیق

داده‌های لازم در مورد بی‌خانمانی از سرشماری بی‌خانمانها و پروژه تحقیقی انجام شده در فوریه ۱۹۸۷ و آوریل و ماه مه ۱۹۸۸ (لاگوری، ریتچی و مولیس ۱۹۸۸)<sup>(۱)</sup> اخذ شده‌اند. سرشماری آن پروژه تحقیقی هم شامل یک سرشماری از افراد بی‌خانمان ۲۲ پناهگاه سرویس دهنده به آنها و هم چنین افراد بی‌خانمانی که در خیابانی متشکل از ۳۶۸ بلوک مربع در محله پائین شهر بدون اقامتگاه می‌خوابیدند در سطح آماری شهر بیرمنگام بوده است. مبنای آن تحقیق «لی» بوده (گزارش شده در کوتو، لاورنس و لی ۱۹۸۵)<sup>(۲)</sup>. این سرشماری در یازدهم فوریه در ساعات اولیه صبح (۳/۳۰ تا ۵/۳۰) صورت پذیرفته تا اینکه احتمال خطا در سرشماری افراد «بی‌خانه» را از افراد «خانه‌دار» کم کند. سرشماری آمار محافظه کارانه‌ای از افراد بدون خانه را با توجه به جنس، نژاد، سن تقریبی و محدوده جغرافیایی منتشر کرد. در آن شب ۶۰۳ نفر در خیابانها و پناهگاهها پیدا شدند.

این سرشماری دو ماه بعد به وسیله یک تحقیق مصاحبه‌ای از ۱۵۰ نفر بزرگسال بی‌خانمان ادامه یافت. داده‌های مقاله حاضر از تحقیق انجام شده در اثنای روز و اوائل

1- Lagory, Ritchey and Mullis

2- Cutto, Lawrence and Lee

تفاوت آنها که در خیابان زندگی می‌کنند با آنها که از پناهگاهها استفاده می‌کنند

شب آوریل و ماه مه استخراج شده‌اند. نمونه‌گیری تحقیق شده از نوع نمونه‌گیری «تصادفی سهمی»<sup>(۱)</sup> است با سهم‌هایی برای نژاد و جنس (مبتنی بر ترکیب اولیه در سرشماری اولیه). خوشه‌ها مکانهای جغرافیایی بودند و ۲۲ پناهگاه از قبیل: مکانهای عمومی و آشپزخانه‌هایی که در آنها افراد بی‌خانمان رفت و آمد داشتند. مصاحبه بطور تقریبی یکساعته بود و شامل یک رشته از موضوعاتی مانند: آمار نگاریهای بنیادی، تاریخچه اشتغال و اسکان افراد، شرایطی که منجر به بی‌خانمانی شده، تاریخچه حوادث زندگی، نشانه‌های سلامتی فکری و بدنی از زبان خودفرد، گستردگی خانواده و شبکه ارتباطی دوستان و همچنین حمایت‌هایی که اجتماع بطور زبانی و یا عملی فراهم می‌کرده است. از ۱۵۵ نفری که برای مصاحبه دعوت شدند تنها یک نفر امتناع کرد، و درصد خالص میزان پاسخ ۹۹/۳٪ بود. چهار مصاحبه به دلیل کامل نبودن اطلاعات یا خطاهای مصاحبه کنار گذاشته شد ولی نمونه بخوبی منعکس کننده جمعیت سرشماری شده محسوب می‌شد.

### اندازه‌گیری متغیرها

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

«استفاده محیطی» به عنوان یک متغیر مشخص به کار برده شد، برای تمایز بین آنهایی که تنها از مشکلاتی سستی در طول دو هفته قبل از تحقیق استفاده می‌کردند (مانند پناهگاهها، سازمانهای خیریه، خانه‌های دوستان یا بستگان) و آنهایی که در مکانهای کمتر کنترل شده و دور از جامعه به سر می‌بردند. (ساختمانهای متروکه، مکانهای عمومی، مکانها پشت درها، ساختمانهای نیمه‌کاره، اتومبیل‌ها). بدین گونه عمل شد

زمانی که ۴۳٪ از نمونه‌ها استفاده‌کنندگان از خیابان باشند شما نمی‌توانید همه آنها را در یک شب معین در خیابان پیدا کنید. بلکه این گروه حداقل یک شب را در طول دو هفته قبل از مصاحبه در خیابان گذرانده بودند. برای تشریح جمعیت، روش زندگی، تاریخچه فردی و منابع فردی (شخصی) بی‌خانمانها از یک مجموعه ۱۳ متغیری استفاده شد. این مجموعه از متغیرها، متغیرهایی اساسی مانند نژاد، جنس و تحصیلات را در بر می‌گرفت.

مقیاسهای اندازه‌گیری سه روش زندگی عبارت بودند از: متغیر «کار» که نشان می‌داد آیا شخص در اثنای هفته قبل از تحقیق شغل داشته یا نه؟ «مدت» تعداد ماههایی را که شخص بی‌خانه بوده است اندازه می‌گرفت و بالاخره متغیر «تعلق اجتماعی». ۲۳ جنبه از حمایت‌های اجتماعی را مشخص می‌کرد. شانزده تا از این موارد، وجود یا عدم وجود شیوه‌های گوناگون حمایت را - اعم از پول، مشاوره، غذا، لباس، پناهگاه، وسیله سواری، کمک به هنگام بیماری و سایر فعالیتها - که دوستان یا بستگان وی در طول سال گذشته به او کرده‌اند، معین می‌نمود. موارد دیگر دلالت داشت بر اینکه آیا پاسخگو اخیراً (در طول سه ماه گذشته) ملاقات یا ارتباطی با خانواده، هم‌نژادان و یا سایر بستگان نزدیک داشته است؟ آیا در اینجا یا هر جای دیگر دارای دوستانی بوده است و از کمکهای دریافتی نیز یاد شده بود.

عوامل تاریخی زندگی فرد در برگیرنده مواردی است که آثار اتفاقات نامطلوب زندگی را اندازه می‌گیرد. حوادثی از قبیل از دست دادن شغل، مسائل جدی زناشویی، اخراج، زندان، دشواریهایی که با دوستان و بستگان داشته، فرار از مدرسه، تجاوز جنسی، تجاوز بدنی، بستری شدن در بیمارستان به علت بیماری روانی و وارد شدن در برنامه ترک اعتیاد الكل و بازیچه جرم شدن از زمان بی‌خانمانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تفاوت آنها که در خیابان زندگی می‌کنند با آنها که از پناهگاهها استفاده می‌کنند

بالاخره، کیفیت و میزان منابع شخصی به وسیله متغیرهایی مانند «درآمد» و آگاهی از خدمات موجود اندازه‌گیری شده است که «درآمد» لگاریتم طبیعی درآمد آخرین ماه از تمام منابع می‌باشد و با پاسخ به سوال آیا تاکنون درباره یازده برنامه برای بی‌خانمانها چیزی شنیده‌اید؟ ارائه خدمات اندازه‌گیری شده است. به علاوه کیفیت محیط تجربه شده (یا نارضایتی از محیط) به وسیله حضور یا عدم حضور ۹ مسأله اساسی را در ارتباط با محیط خواب شخصی اندازه‌گیری گردید. اینها عبارت بودند از عوامل بدنی مانند کثافت و سروصدا، تا عوامل اجتماعی مانند قوانین افراطی و فقدان محیط خلوت در آخر از پاسخگوها با ۵ شاخص اصلی در مورد کنترلشان بر محیط (یا عدم کنترل آنها) سوال می‌شد، این شاخصها به وسیله پرلین و سکولر (۱۹۷۸)<sup>(۱)</sup> رایج شده که اصطلاح «میدان کنترل»<sup>(۲)</sup> را به کار برده‌اند.

## نتایج

جدول شماره ۱ اطلاعاتی را درباره جمعیت انتخاب شده بی‌خانمانی که از خیابان استفاده می‌کردند و متغیرهای شیوه زندگی آنها را نشان می‌دهد. جنس، تحصیلات و میزان وابستگی اجتماعی بطور عمده‌ای برای جمعیت خیابانی و پناهگاهی متفاوت است. جدول نشان می‌دهد که استفاده کنندگان از خیابان بطور قابل ملاحظه‌ای مردانی هستند که از تحصیلات کمی برخوردار و از جامعه جدایند. جدایی از اجتماع خودش را در بسیاری جهات آشکار می‌سازد. آنها نه تنها وقت کمتری را با آشنایان در

1- Pearlin and schooler

2- Locus of Control

طول گردش روزانه صرف می‌کنند بلکه با بستگانشان نیز برخورد کمی دارند و از دوستان و بستگان کمک ناچیزی دریافت می‌کنند. در مقابل پناهگاه‌نشین‌ها، بیشتر زنانی هستند که دارای تحصیلات دبیرستانی یا دانشگاهی و جامعه‌پذیرترند.

جدول شماره ۱ درصد بی‌خانمانهای شناسایی شده در خیابان باگزینش آماری - اجتماعی و متغیرهای شیوه زندگی

نمونه بی‌خانمانی بیرمنگام - آلاباما، ۱۹۸۷ (تعداد نمونه ۱۵۰)

میانگین	درصد جمعیت	
	خیابانی	
جنس	۵۲/۷	مردان
	۱۲/۱	زنان
نژاد	۴۴/۹	سفید
	۴۰	غیرسفید
تحصیلات	۵۲/۴	دبستان یا کمتر
	۵۹/۵	مقداری از دبیرستان
	۳۹/۱	دبیرستان یا کمتر
کار	۲۳/۵	مقداری از کالج یا فارغ‌التحصیل آن
	۳۶/۷	شاغل
	۴۶/۸	غیرشاغل
	۴۰/۹	حس می‌کند دوستان و جای کافی برای کمک گرفتن دارد.
	۴۰	با دوستان نزدیک که در بیرمنگام زندگی می‌کنند.
	۳۹/۲	با دوستان نزدیک که در جاهای دیگر زندگی می‌کنند.
	۳۵/۶	در تماس با والدین در طول سه ماه گذشته
	۳۰/۶	در تماس با خواهر یا برادر سه ماه گذشته
	۳۵/۷	در تماس با سایر بستگان
کمکهای دریافتی	۴۶/۷	محلّی برای سکونت
کمکهای دریافتی	۴۵/۳	غذا
در سال قبل	۳۴/۹	مشاوره
	۳۴	پول
	۳۱/۹	وسيله سواری



تفاوت آنها که در خیابان زندگی می‌کنند با آنها که از پناهگاهها استفاده می‌کنند

	لیاس	۲۶/۹	
	کمک به هنگام بیماری	۲۳/۸	
بسربردن با	میانگین دفعاتی که با دوستان بوده (در خیابان)		۱/۷۶
دوستان	" (در پناهگاه)		۲/۹۹
مدت	میانگین مدت بی‌خانمانی (ماه) برای آنها که در خیابانند		۳/۱۳
بی‌خانمانی	" برای آنها که در پناهگاهند.		۳/۱۹
بطور کلی		٪۴۳/۳	

در جدول شماره ۲ متغیرهای تاریخچه زندگی آورده شده است. با اینکه هر دو گروه در زندگیشان مشکلات غیر معمول ناشی از حوادث زندگی را داشته‌اند، تفاوت‌های قابل توجهی در بین آنها بر حسب تاریخچه حوادث ویژه وجود دارد. خیابان‌نشین‌ها در دسرهای بزرگتری را با نهادهای اجتماعی نشان داده‌اند، آنها زندانی بوده و بارها از مدرسه اخراج شده‌اند. و غالباً بیشتر از پناهگاه‌نشین‌ها قربانی جنایتها بوده‌اند اینها نمونه‌ای هستند که به نسبت چگونگی استفاده از خیابان احتمالاً خطرات بیشتری را متحمل می‌گردند.

از طرف دیگر افراد پناهگاه‌نشین غالباً مورد سوء استفاده‌های جنسی قرار گرفته و مخالف اصول و قراردادهای رسمی عمل کرده‌اند، یا در برنامه ترک اعتیاد الکل بوده‌اند. چنین تفاوت‌هایی پناهگاه‌نشین را از نظر روانی آسیب‌پذیرتر و نیازمندتر و جمعیت خیابان‌نشین را خودمختارتر و ایزوله‌تر (جامعه‌گریزتر) نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳ اطلاعات را در چگونگی زندگی و متغیر منابع شخصی نشان می‌دهد. آشکار است که جمعیت خیابان‌نشین از شیوه زندگی خودشان احساس نارضایتی بیشتری نسبت به جمعیت پناهگاه‌نشین دارند. از سوی دیگر، اقلام «میدان کنترل» تفاوت اندکی را بین افراد خیابان‌نشین و پناهگاه‌نشین نشان می‌دهد. این تفاوت اندک بیانگر این مطلب است که استفاده کنندگان از خیابان راحتی بدنی و فردی خود را در ازای مقدار کمی خود مختاری فدا می‌کنند و این خودمختاری که به چشم‌پوشی

مهمی از خدمات سودمند به آنها وابسته است دستاورد کمی را در احساس سلطه بر محیط عاید آنها می‌کند. استفاده کنندگان از پناهگاه با اینکه در زندگی خود نسبت به خیابان نشین‌ها محدودیت بیشتری دارند با این وجود رضایت بیشتری از محیط ابراز می‌دارند.

جدول ۲ - درصد بی‌خانمانهایی که در خیابان شناسایی شده‌اند با گزینش متغیرهای تاریخی - شخصیتی نمونه بی‌خانمانی، بیرمنگام، آلاباما (۱۹۸۷)

	درصد خیابان نشین‌ها
	از دست دادن شغل ٪۴۴
	مشکلات زناشویی ٪۴۱/۹
	اخراج از جایی ٪۳۲/۵
حوادث تجربه شده	زندانی شدن ٪۵۱/۳
	ناسازگاری با دیگران ٪۴۲/۹
	تجاوز بدنی ٪۵۶/۸
	تجاوز جنسی ٪۱۸/۸
سابقه بیماری روانی	در معرض توطئه جنایی قرار گرفتن (هنگام بی‌خانمانی) ٪۵۱/۷
	داشته (بلی) ٪۳۲
	نداشته (خیر) ٪۴۵/۸
تحت پوشش برنامه ترک	داشته (بلی) ٪۳۴/۵
	نداشته (خیر) ٪۴۸/۹
اعتیاد قرار گرفتن بطور کلی	٪۴۳/۳

تفاوت آنها که در خیابان زندگی می‌کنند با آنها که از پناهگاهها استفاده می‌کنند

جدول ۳- درصد افراد بی‌خانمانی که در خیابان شناسایی شده‌اند با گزینش متغیرهای کیفیت زندگی و اندازه متغیرهای شخصیتی .  
نمونه بی‌خانمانی ، بیرمنگام، آلاباما (۱۹۸۷)

		درصد ۴۳/۳	میانگین
	شلوغی	۶۸/۸	
	کثیفی	۸۳/۳	
	فقدان محیط خلوت	۵۳/۱	
	سروصدا	۵۷/۵	
احساس نارضایتی از محیط	مردم تسهیلات دستشویی خوردن امنیت قوانین افراطی	۴۸/۵ ۶۳/۹ ۸۱ ۷۱/۴ ۵۴/۲	
	بر چیزهایی که برای شما پیش می‌آید کنترل اندکی است.	۴۵/۳	
کنترل سنجها	برای حل بعضی از مسائل شما هیچ راه حلی نیست. برای عوض کردن چیزهای مهم در زندگی کاری نمی‌توان انجام داد	۴۲/۹ ۳۷/۲	
	دربرداشتن به مشکلات زندگی احساس درماندگی می‌کنند	۴۱/۳	
درآمد سرانه (دلار) میزان متوسط تسهیلات	احساس فشار کردن در محیط زندگی خیابان نشین پناهگاه نشین خیابان نشین پناهگاه نشین	۴۲/۹	۴/۶۲ ۴/۴۵ ۵/۷۴ ۷/۴۱

N = ۱۵۰

## بحث و بررسی

نتایج خطوط عرضی جدول نشان می‌دهد که استفاده‌کنندگان از خیابان با پناهگاه‌نشین‌ها تفاوت‌های عمده‌ای دارند. با این همه، برخلاف سیستم ارائه خدمات اینها دو زیرگروه (جمعیت فرعی) مجزا نیستند. بخصوص عوامل مرتبط با زندگی خیابانی ممکن است تفاوت عمده‌ای با یک برنامه موقت که اشخاص گاهی در آن و گاهی بیرون از آنند - نداشته باشد. در اینجا جالب است به این نکته توجه کنیم که آنها که در خیابان زندگی می‌کنند نارضایتی بیشتری از شیوه زندگی خود دارند. این گروه سازگاری خوبی با محیطشان نشان نمی‌دهند چون احتیاجات محیطی متفاوت داشته و این احتیاجات با شرایط زندگی فعلی آنها برآورده نمی‌شوند. پس همانطور که هوج و سلیتون (۱۹۸۹)<sup>(۱)</sup> اظهار کرده‌اند، استراتژی فعلی ارائه خدمات به بی‌خانمانها تنها سقفی برای زیستن و محلی برای تعلق (وابستگی) ارائه می‌کند. پناهگاههای سنتی گرچه برای اغلب بی‌خانمانهای آسیب‌پذیر مطلوبند (طرد شدگان از جامعه، افراد با مشکلات جنسی، معتادین به مواد مخدر و الکل) اما در عوض خودمختاری آنها را سلب می‌کند. در مورد آن دسته از افراد که از خیابانها برای زندگی استفاده می‌کنند می‌توان گفت که عدم اعطای خودمختاری در پناهگاهها آنها را به سمت استفاده از خیابانها سوق می‌دهد. با آنکه وضع خیابانها چندان جذاب نیست.

گرچه این دو گروه کاملاً متفاوت نیستند. نمونه‌های مهمی از اختلاف بین دو طبقه از استفاده‌کنندگان محیطی را به نمایش می‌گذارند. همانطور که قبلاً ذکر شده به نظر می‌رسد که آسیب‌پذیری بیشتر ویژگی بارز استفاده‌کنندگان از پناهگاههاست. گرچه،

تفاوت آنها که در خیابان زندگی می‌کنند با آنها که از پناهگاهها استفاده می‌کنند

گروهی از استراتژی پناهگاه‌نشینی در دهه ۱۹۸۰ و پرداختن به بی‌خانمانها انتقاد کردند ولی بعداً مشخص گردید که این استراتژی بطور مدلی برای آنها که آسیب‌پذیرترند، مناسب است. در عین حال چنین محیطهایی، وابستگی به اجتماع را افزایش داده و نتیجه غم‌انگیز دیگری نیز دارد که به استعدادهای فردی بعضی از آنها که تحصیلات بیشتر و شبکه ارتباطی - اجتماعی وسیع‌تری دارند خدشه وارد می‌کند. بنابراین نیاز به آن است که به پیشنهادهایی که اخیراً جهت توسعه بیشتر «جایگاههای مستقل» برای بی‌خانمانها داده می‌شود توجه جدی‌تر بشود. اگر وسائل تهیه و برقراری چنین مکانهایی یافت شود، ممکن است نیازهای فوری بی‌خانمانها را برطرف نماید بدون آنکه وابستگی‌ها را افزایش داده یا سلطه شخصی بر محیط را کاهش دهد.

امام علی النقی «

العالم و المتعلم شریکان فی الرشد

استاد و شاگرد در رشد و پیشرفت یکدیگر شریکند